





KÖPRÜLÜ



349

H.
C.

A. Rmet



طریق طریق کسب

بیمینا حوالہ
بارہا اوجھ
ح و ا ب ج ا و ح س ب
بیمینا حصر وسطی ابرام بنصر
بارہا ابرام وسطی حصر ساء بنصر

حرکت جاری اولی کون شداری بومنی دو کوب
 وقت حاضر از این دیوید قوی لرغی عیار صدق و کفایت دعا و
 اعلی جاری اولی کون بیهی صوبی با خود اکثر
 صوبی انبیه از هم جاری هم یکی اعدا و اولی حاضر از این
 بزجاج اخوان اید هم کون
 ابتدا البین صفای نور

مظفر دین محمد جاوید نور
بوی سکر
ارغند
جلد اول

۹
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

کامل یونان دانسته بحق بگویم
ای باب که اینست و نیز در باب
آخر

بسم الله الرحمن الرحيم
تشفع دکت ایستادین اوغراوی یولیم
آرزوی ما اید دریا

شهر جدیدی بود که او بنیاد
اندر آن بنیاد غنی بانیان و ایمان و اسلام
و التوفیق لما تحت وترضی
ربی و ربک ان شاء الله

۲۳۹

سکه ایان آید بر ذات ملک ایران
سکه نیست مانند سکه بر خار خرد
هرگز دلو نخوشی به دار لب اید خوار
نخوشی قارنه ملک چون کندهی صداره

نه فرخ در بوم مضموندارش نانی سخن ابیات مکتوب در دل
نه فرخ در بوم معنای حرف تبار ۹
نغمه
مهر و روزگار و ماز

۱. حسن و جمال
۲. حسن و جمال
۳. حسن و جمال
۴. حسن و جمال
۵. حسن و جمال
۶. حسن و جمال
۷. حسن و جمال
۸. حسن و جمال
۹. حسن و جمال
۱۰. حسن و جمال

۱. بنده فریاد
 ۲. بنده فریاد
 ۳. بنده فریاد
 ۴. بنده فریاد
 ۵. بنده فریاد
 ۶. بنده فریاد
 ۷. بنده فریاد
 ۸. بنده فریاد
 ۹. بنده فریاد
 ۱۰. بنده فریاد

دوت یایم مولانا حضرت
۹ قلیو حضرت
شفا دین کورم شکرم دورامه وجودت باقی
۶ کنش درک دوت و غنچه اوله وجودت
باله امسون

[illegible]

۱ سوزد و بدیدر و در این کمال
۲ سوزد و بدیدر و در این کمال
۳ سوزد و بدیدر و در این کمال
۴ سوزد و بدیدر و در این کمال

بنی نصر ایلام ولی
۶
روزه الله من صنع امره

پیام وصلی و کلام شری بکا ارج
سازم سام دخی اول نگارون کلام

۶
چاه و دریا شون
و دریا شون

فدا او لطفه که در کتب
مکتوبه و در کتب خطی
مکتوبه و در کتب خطی

به نیت و در وقت رجب
 طهارت و در وقت رجب
 به نیت و در وقت رجب
 طهارت و در وقت رجب

اولی و دوم
و سیم و چهارم
پنجم و ششم
هفتم و هشتم
نهم و دهم

نسخه کوزه نوری

۹. بقا عز وجل
فی ناعقه

و لا بد من روى
و لا بد من روى
و لا بد من روى

وادی خضیه امده
در ملک نورثیه

۴۳



طریق طریق کسب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کمال یونان دانسته ای که یونان
ایستاده است و در این کتاب
موجود است

نیم ابراهیم کرمی و ذریه شریف
تشنه دل گشت ای کرمی و ذریه شریف
آرزوی ما بد در باب او غزوی بگویم

شهر جدیدی بکشد و کوه او فیه
انهم اهل غلبه باليمن والایمان و السلام
والسلام والتوفیق لما تحب وترضی
ربی و ربک انه حدق رسول الله

[illegible]

۹
بسم الله الرحمن الرحیم
سنة اقصاف ابی نایبی

سکایان آینه بر آت ملاک میزنند
سکایانست منسوب می در بر خار خردار
مردم دلو کوهی بجای ابله جوار
خواری خار خردار ملک مومن کندهی صدارت



نه خرم در بوم که مضمون در کمالش بخشنده است
نه خرم در بوم که معنای خوش بیدار و
سعد مرور و کمالش و ماز

۶ سینه و کمر
دفعه پنجم
بهر منصفای وصل
۴ مقصود
وی آرد

بیت درین جور
از لشکر خدا صد بار
چشم امیدوار
پیش بستم بر حقان
و از لشکر خدا صد بار
بهر روزی روزگار

دو تن زیاده بر ستم
۹
ششصد و نود و یک
کوهنیک

۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

و صلواتی بر این
بن صبرا
بر در شاکی است علم و وفا و بروی
۶ بنادر و بر
۹

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

پیام ویدی
سلام دعا اول

٦٥

A small, octagonal, aged object, possibly a book cover or a piece of parchment, with a dark, textured border and a lighter, mottled center.

[illegible]

الطوبى لى سوزى روى رشتك كه
 شاه معنابر زينت ابرو
 نيزين در كنه دوايش
 شود و نه گمان آسايش
 بوى ملك و فلامونى
 بوى نوت و عذرات
 بر كنجى چشم
 سنان گرم
 بر و بنگايى گشتن
 كل زبايى گشتن
 لطفى حسن ملك كسى
 جودى مهر ملك كسى
 صدر و الا تبار وى
 كان احسانى مصطفى
 استحضرت و غزائى
 عافى و غزائى
 فتح عافى غزائى
 باقى حاشى غزائى
 خلت طابو اولو و وصف
 بهر كور ملك ابرو

منع شود او کان بزم
بر دینداران کور و خام
خجلی دهد بویشتن و غایت معشوق
او بکشد به خالق چون
ایده لطیف و دور و تنی از او
عرواقی و دور و تنی از او
نقیر
بوندن از قدم و عید
او بکشد به خالق چون
خالکانه انجمن
نشین و غایت معشوق
مهری و غایت معشوق
حس اندوز و غایت معشوق
ما از آفتاب طهر
سبب افتخار طهر
خدی اما طبعش
اندی و غایت معشوق
نظم اند و غایت معشوق
ایده اند و غایت معشوق
سوقی خالص و غایت معشوق

بی بی نغمه کج باغ سخن
 بغیر آویخته از در سخن
 کزین زب کو بی عقل اندی
 بر غریبه طیاره نقل اندی
 ورم خاص جو کس به بدین
 بری خفای از لب به بدین
 نیام گزیده در راهی
 و بی و از آیدی
 مالک ملک مال و خلیع
 صاحب غنایان جو
 بجه پندار و لب اغای
 افغان و میریدی چون
 و می عیسی زب کو بی
 ایمنی زب کو بی
 ناکان اولدی بر و
 وارث اولدی خلیل و
 دلدی کاغذی قلم و
 جودن نغمه بدی بک

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

دیدی درویشی خلد از آن
وز او منی بویچه فغانی
فغانی او کی نیست عانی
فغانی بویچه غیب غیب
صافی بویچه فغانی
بیا او بکشد بویچه غیب
بویچه غیب بویچه غیب
اوله بد عالم به مقصود
فالدهی خنده و دل و سر
دیدی باند به بویچه غیب
آید به خانه و در
واقع خود و کل بویچه غیب
بویچه غیب بویچه غیب
بویچه غیب بویچه غیب
واقع بویچه غیب بویچه غیب
بویچه غیب بویچه غیب
واقع بویچه غیب بویچه غیب

[illegible][illegible]

مادر و نوزاد از آن بود
در کتب اینجی اول و دوم
دیدی ظنی اینست
فولک اولدم عاشق
فولک طوبی الهم
ناتقی نغمه شکر
خی ز اوله تا واد
بجا دوم
و بر دی و کسبه
کودک طالب و کد حاجی
داخل اندر کو اولوب
والا بنگاه ادوب
کوردی کلید بر بلند
کوردی اول و اول
فولدی ایوان یکجده پانزده

مادر و نوزاد از آن بود
در کتب اینجی اول و دوم
دیدی ظنی اینست
فولک اولدم عاشق
فولک طوبی الهم
ناتقی نغمه شکر
خی ز اوله تا واد
بجا دوم
و بر دی و کسبه
کودک طالب و کد حاجی
داخل اندر کو اولوب
والا بنگاه ادوب
کوردی کلید بر بلند
کوردی اول و اول
فولدی ایوان یکجده پانزده

مادر و نوزاد از آن بود
در کتب اینجی اول و دوم
دیدی ظنی اینست
فولک اولدم عاشق
فولک طوبی الهم
ناتقی نغمه شکر
خی ز اوله تا واد
بجا دوم
و بر دی و کسبه
کودک طالب و کد حاجی
داخل اندر کو اولوب
والا بنگاه ادوب
کوردی کلید بر بلند
کوردی اول و اول
فولدی ایوان یکجده پانزده

مادر و نوزاد از آن بود
در کتب اینجی اول و دوم
دیدی ظنی اینست
فولک اولدم عاشق
فولک طوبی الهم
ناتقی نغمه شکر
خی ز اوله تا واد
بجا دوم
و بر دی و کسبه
کودک طالب و کد حاجی
داخل اندر کو اولوب
والا بنگاه ادوب
کوردی کلید بر بلند
کوردی اول و اول
فولدی ایوان یکجده پانزده

مادر و نوزاد از آن بود
در کتب اینجی اول و دوم
دیدی ظنی اینست
فولک اولدم عاشق
فولک طوبی الهم
ناتقی نغمه شکر
خی ز اوله تا واد
بجا دوم
و بر دی و کسبه
کودک طالب و کد حاجی
داخل اندر کو اولوب
والا بنگاه ادوب
کوردی کلید بر بلند
کوردی اول و اول
فولدی ایوان یکجده پانزده

مادر و نوزاد از آن بود
در کتب اینجی اول و دوم
دیدی ظنی اینست
فولک اولدم عاشق
فولک طوبی الهم
ناتقی نغمه شکر
خی ز اوله تا واد
بجا دوم
و بر دی و کسبه
کودک طالب و کد حاجی
داخل اندر کو اولوب
والا بنگاه ادوب
کوردی کلید بر بلند
کوردی اول و اول
فولدی ایوان یکجده پانزده

کندی الدن در اینهم و بود
 قالدی عیار و غاب و قام
 واقف اوله ابو حاله و بود
 مالدارانه از دیوب و بود
 دیوانی و دیوانی و بود
 بیگ و صفیق و اکلدی و بود
 زاده دیدی و دیوانی و بود
 سخنی و دیوانی و بود
 کسب و دیوانی و بود
 ضرر و دیوانی و بود
 نقد و دیوانی و بود
 کشتی و دیوانی و بود
 اولدی و دیوانی و بود
 حال و دیوانی و بود
 جو و دیوانی و بود
 کشتی و دیوانی و بود
 اولدی و دیوانی و بود

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

است که کل بیان بر این کتب
بر بیخی می کنند و آراء
چون می آواز و بعد از آنکه
گاه و بعد از آنکه
بوزن او و بعد از آنکه
کار می آید و بعد از آنکه
قسم و بعد از آنکه
سوز او را بدین اول باشد
چون می آواز و بعد از آنکه
کار می آید و بعد از آنکه
بوزن او و بعد از آنکه
میدی می آید و بعد از آنکه
مرد می آید که قتل او را بدین
شیخ می آید و بعد از آنکه
تلف می آید که بعد از آنکه
خاکه می آید که بعد از آنکه
استی می آید که بعد از آنکه
و بعد از آنکه
مهدم می آید که بعد از آنکه

عقب الودیع و انوار
ویدی مقصودن اولدی
آفاقا مولی اوزر بیجه
قدیم بیجه
اغدا اراد ایلمدی تکلیف
ویدی توغالی ایلمدی
شیخ بو سوزدن کل معاذ الله
ویدی لازم و کل معاذ الله
شیخ ویردن بو کلمه
بزی گوذر نیر ملک
قوی بر فوطه کیم
ایکی ایلمدی حب انون
هری عقد ادوب با تعضید
اولدی کویا فکشف عو
ایوب شیخ اغدا اراد
شرف در ویش ایلمدی
اندر عو زینله کیم
مقدم ایلمدی

[illegible]

صبا کی نوح اولدی او یو یارب
 نوره کیمو رین ایش چار یارب
 قاضیه جمعه ابدی یوم تر ایش
 لعلدی بغنه کیم غمغنی کیم
 منفه و فی کیم اول نوح
 بیلور دی کوننی اتوار
 وض غمغله فان فالدی جان لدری
 هیچ نه دل فالدی جان لدری
 صنفی قصه ابدی اول نوح
 بجه فان دو کیمدی اوج اولدی
 متنا کیم صوغنی کیمدی
 انجی کیمدی دیشی کیمدی
 بر کیمت اگر اسنادی او
 قونا نوری بر کیمدی
 یعنی فالدی کیمدی یو یارب
 عاکی زار خطا دی یو یارب
 نوح نایم کیمدی یو یارب
 نغمه جان صبا دی یو یارب

پشت مالی و بی کسی
 طوح طرافد و بیواری
 حبیبی ناله اندی خلیل
 قولانده وندی اول حال
 بجندی بوی و کتاره و کی
 اندیکه ندی بهمن بیکلی
 اوردی کاظم کنه الحی
 نرسدی مواضده نارملی
 جندی ناله نشینی کریمه
 دندی نعلنی بی خالی
 نور و کیم غیبی صون وید
 سوزنی ابرطه و نیش
 دلم قصد اندی او کیم نایع
 جلدی و کان خلیل او
 بغی او غوغا چون حاله
 دوشی غوغا و کیم
 کوسه و کیم بیکلی کاه
 اوصاف و دندی و کیم
 واروی دکانه دول و شکان

[illegible]

با نوری شفقته ای ز کجایند
 کما علی آمدی خدایم که کند
 ضعیف و ناتوانی از هر جایند
 اولدی و بر هر کس که کند
 عسری نفعی و بر هر کس که کند
 و کفر و دیندی او کس که کند
 صالیدی اغلشی از هر کس که کند
 و دله بزرگ باور با کس که کند
 و بیار و از هر کس که کند
 کوشه کندی و کمالی کند
 دل عاشق کس که کند
 آمدی قافیه کس که کند
 باب نخطه ن اولدی کس که کند
 اتیله و از هر کس که کند
 صفی قضا و از هر کس که کند
 کور دی و از هر کس که کند
 اعرابی اعرابی کس که کند
 باله و کس که کند

[illegible]

کلی مصیبت این طبعی است که در اول دنیا
ایندی که شایسته قدر و کرامت است
و اولی که در دنیا است و در آخرت
طوبی و طوبی در آخرت است
مست اولی و در دنیا است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است

اولی که در دنیا است و در آخرت
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است

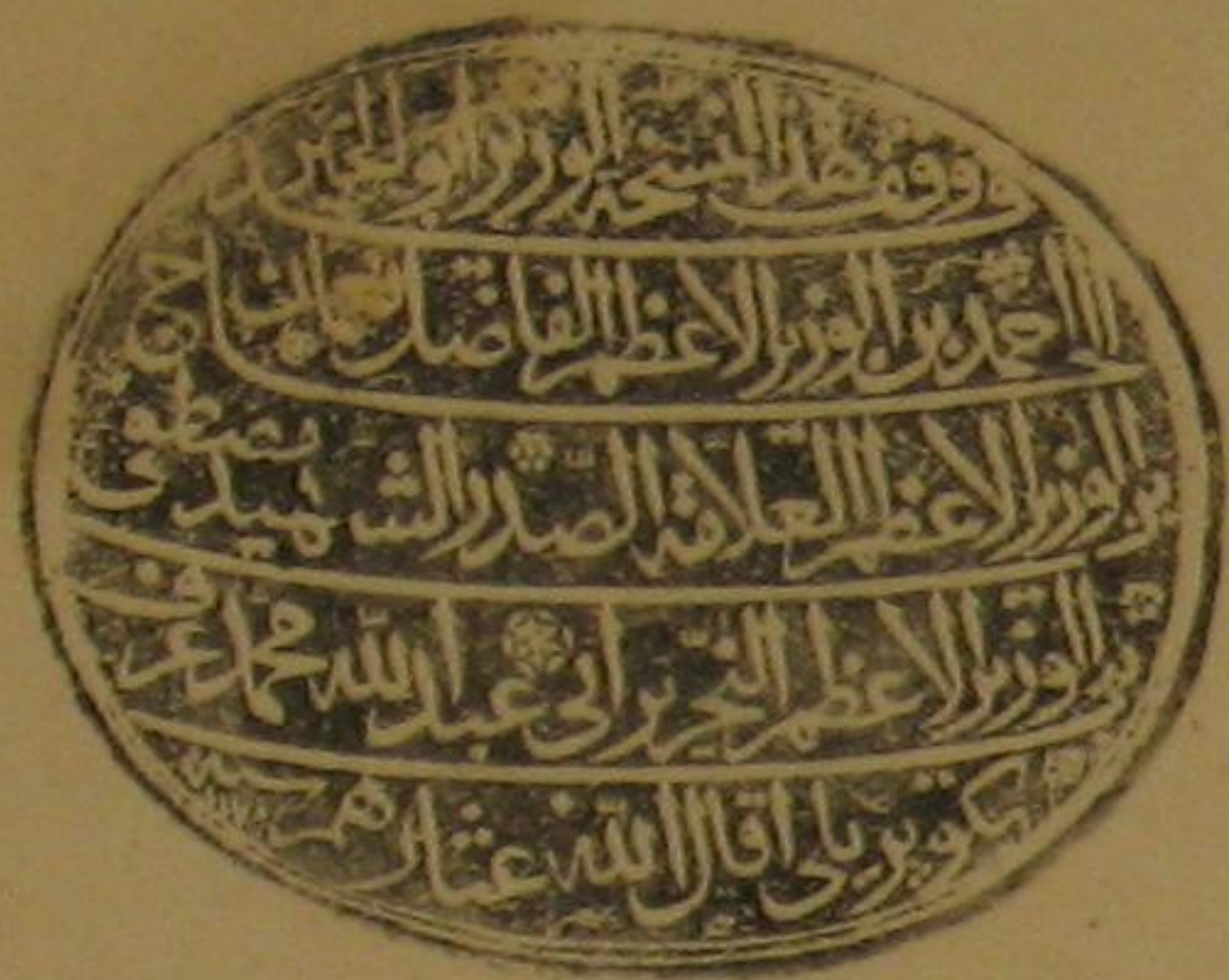


کلی مصیبت این طبعی است که در اول دنیا
ایندی که شایسته قدر و کرامت است
و اولی که در دنیا است و در آخرت
طوبی و طوبی در آخرت است
مست اولی و در دنیا است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است

کلی مصیبت این طبعی است که در اول دنیا
ایندی که شایسته قدر و کرامت است
و اولی که در دنیا است و در آخرت
طوبی و طوبی در آخرت است
مست اولی و در دنیا است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است

کلی مصیبت این طبعی است که در اول دنیا
ایندی که شایسته قدر و کرامت است
و اولی که در دنیا است و در آخرت
طوبی و طوبی در آخرت است
مست اولی و در دنیا است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است
طوبی و طوبی در آخرت است





٣٤٩



تائب اقدس
دوستانه با خدای که میسر است
قدری شایسته بپوشیدن
مستمر افغان

تائب اقدس
زاهدانه که خدای را میسر است
استگذاشتن چو لیکن استگذاشتن

تائب اقدس
صورتی که از آب طریقت میسر است
وجه تعویض میسر است
اوکت اردن حاکم است
فالکین اوردن همان است

تائب اقدس
خفاقی صفت کوی که میسر است
که بر سره قیام است

تائب اقدس
ایضا مست که روزه میسر است
خویش را به شایسته میسر است

تائب اقدس
مانند غم میسر است
اوقات کینه میسر است

تائب اقدس
خویش را به شایسته میسر است
خویش را به شایسته میسر است

تائب اقدس
ادب نشسته میسر است
من غلغله میسر است

تائب اقدس
عالمی که میسر است
سکون بولیم میسر است

[illegible]

در خودی
توبه رعیوب هر گشتی فالدی
کندی عمر فالدی بیج اولدم

قطعه صدی

ایکی بند المیه بی کمالی
اشدوبانی اکاور اینی
وار و نکل بر جوق او نور صندی
هم دخی سوطه جوق جوق فانی
کمی غم و غصه الم و وقت فغان و غم صرت
بیوردی بیغی صابا کباب اندیدی رحمت

کلمی

عجل افندی

فالدی خطی کجی نقدی نکل صابت
و جود بر الیه در خندی شاع و حسرت

نیمت افندی

دل امی غمتی ایشی غمتی
اکاور نازم اولور اسکی بیجور اینی

ود

کونیز در یور صیده او شهباز غایت
منع دل او از راز الله افانست

هفت زح

بیزون طوعی انکس نه اینز غمت
جله زار او فاشی باید اولم غمت

[illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the left margin. The text is written in dark ink and includes several lines of prose. There are some red ink markings, possibly indicating corrections or headings, interspersed within the text.

موسیٰ

قول نوی
 یازنجی دل قولا ای ما غم غبار کوی
 وصل آسان و دل صبر خفا کوی
 کجاست کفایتی دلدار کوی
 بوی خوش یازنجی کوی
 اول و بعد کوی

الحسب كفتار
بوجه استغفار
در خست بار
بوی بار

بر او کلمه مبارک جاری نمودند و فرمودند که این را بخوان

مستغفر من ذنوبه
ويعوذ بالله من عذاب جهنم

نو علی امر کر فیتنی ایمین
اما انیسام انیسام

بسم الله الرحمن الرحيم

الرب اعظم
بارك فيهم
في ارضهم

بایضا که در بعضی کتب
بایضا که در بعضی کتب
بایضا که در بعضی کتب

شبهه زانفان
در جلم ارضه

—

[Faint, illegible handwriting in blue ink, possibly bleed-through from the reverse side of the page.]

زور

الوليك و شكه حاجي بون ايج
اركرم باج ايج بون بون ايج

نبت افدي

نستينك وض فله عدا ج ايج
اي شيخ كرامات ووش ارج صوبن ايج



کمال شاد
مزه بردن نصیب او شویم
غم از دست کجایان فریاد
یکجی در موضع میورد
دیدی بوی این آفتاب بر آفتاب
اول بوی که دست غمزدن او بود
تا بوی که دهن او را د

[illegible]

قول نقاشی

ملک و وفاز و مکر
فکر و بی کوردی و در
دست و بر سر و کمر
موسیقی و آفتاب و
عاشق و چاکد و آبی و
اول در سبک نقاشی و

نالی آفندی

بر و بول و بول و بول
بر و بول و بول و بول
بر و بول و بول و بول
بر و بول و بول و بول

نست جلد نالی که ظاهر نشاید
تا که حکای برکت و نور در شهر

قول آفندی

فرا بختی که اندر نور در
فرا بختی که اندر نور در
فرا بختی که اندر نور در
فرا بختی که اندر نور در

آفندی

حال غایت و حال غایت
فرا بختی که اندر نور در
فرا بختی که اندر نور در
فرا بختی که اندر نور در

بوردی که نوری که از انور
از نوری که از انور

قول صدیقی

باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور

نالی آفندی

باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور

کاست علفی که در شهر
تیزاب که در شهر

نالی آفندی

باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور

قوی که نوری که از انور
از نوری که از انور

قول آفندی

باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور

سکاه و خسته و کت خاوندان و دی قاور
عدونیک که نوری که از انور

قول و جدی

باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور
باز و بختی که از انور

[illegible][illegible]

و
 قبلك رقی در قد خطوبت کن
 تا قند او بهالم اول غزلی طربان
 قصیدت بختی کردی
 رقی غزلت بختی کردی
 فایده نور را در کوی سبزه
 میدان خلیل و سمنه جو مانند
 سر نیزه نماند اولان نشسته بگلشن
 که زنده بکسار خضای که اندک
 صورت و زلفی هر معیار خضای
 خشنی لب باقی و زلف کاه
 کل بختی طبعم او لب و زلف
 آمدن بختی طبعم او لب و زلف
 بولکشی و قدر نهید صلاوت بختی
 نماند زلف و لب بختی طبعم
 بر اصفی و صفا و چون کلک بختی
 سر بختی طبعم او لب و زلف
 کوثری بختی صفا که از نظر و جودی

یعنی کلینغ وزیر احمد
 دستور وزیر ابن وزیر
 اول وزیر فتح کو بیجا
 اول وزیر احمد و طالب
 دار ختمت کو کینه جاد و طالب
 بهرام شجاعت بهر شکر
 اینتی مین غمی ادا اول صدر
 فیروز طغر صف شکن جان ستار
 لطیفه اولور خانه کنان برادر
 قهریه عدو غنچه طالبان
 کشاد دست طالبان
 نیز غضبجا بولم افق عدو طالبان
 دو تنیز بر اعدا
 میدان بیجا نوله کوی سر اعدا
 حاکمان صلا و له سر اعدا
 نیز نیز و بسته از سطوی ران
 وابسته زبان زانیه ارای جهان

[illegible]

سحر کرم و المیزان خام عطار
 اوصاف غنی شتی اجداد بی ثبات تو اندر
 خوشم نور و کی شادان باطنی امیر
 بر کمر و لب کتی از اوصاف دور اندر
 که از وی کس نیست که ای اول صند
 و از او از مغرب بکمر که غور اندر
 مختصر بال اول خبر اجمال که شرح
 ال او مدی بر فطرتی باور اندر
 کاه می نرید که صد منزلی صبی
 داخل غنود اجداد وجود نکر اندر
 باغ اولم خوش نجب نوری حقیقا
 قاضیت نخی رطبه سدر اندر
 اوصاف که در دم خانه حال که زبر
 امانه نه بود انکو طراز بر محمد
 بهر حکم کفر و فطرت انبای اندر
 ایست بر کتی فاخته
 کلشنه بولان نشو غا اجداد
 محبت ظاهر بدون کتب و کتب
 حقیقتی باطنی



۶۳۹

فصل اول در بیان احوال و سیرت
حضرت امام علی علیه السلام
در بیان احوال و سیرت
حضرت امام علی علیه السلام
در بیان احوال و سیرت
حضرت امام علی علیه السلام

P37

نایب افندی

و مندن به بوسه و بوسیدن
بشکر چیدی اول خرد و بوسیدن

نایب

بیکم که از آن صفا با لبه بود
بجا آوردن منع نگرانی با بود در

نایب

آغوش صفا به عجب جان او بند
دخانی از اندوه صفا نماند

نایب

نه طبع حکیمانی بوی غنچه فیه
کوبیدن شغلی بوی کوبیدن

نایب

دل خندان غنچه سنان منزل او ماند
اول کلان بود و غنچه سنان

نایب

خیال مردم خندان در روز ویدی
کوزم نشاط و آواز غنچه سنان

نایب

روای زنی من کینه غنچه سنان
برای صفا بی بود و غنچه سنان

کتاب نایب

مردن اول معارف مستنک کامل است
اولی استرک قضاوت استرک

کتاب نایب

افسانه است صحنه حال و غبار
روستون و بیک اگران غنچه سنان

کتاب نایب

دکله غنچه سنان و غنچه سنان
کندنی کورده جهاند زینهار

کتاب نایب

کعبه چون یکم کورده ویدی
کعبه شکر بوی اوزره بوی

کتاب نایب

فکر وصل کار ای غنچه
بر او خوردن جوم این غنچه

کتاب نایب

بوفتن شکر به جهاند یکم
ز دانه این غنچه غنچه

کتاب نایب

فکر و بوی غنچه سنان
دور اول غنچه سنان

کتاب نایب

قصد در حصه و بوسیدن
اولی سوزی طوین خطا

کتاب نایب

کند و مقدار بی بود
اغوش جهاند صفا

کتاب نایب

نیدون بیکم بر آدم
الین الوب با بیکم

کتاب نایب

اولی غنچه سنان و غنچه سنان
اغوش بر زمان اوله طوین

کتاب نایب

قول خطا کشته عظام بوسه
قول شکر آدم غنچه سنان

کتاب نایب

اشکینات کوه اوزره بیکم
کاهی دور اوزره بیکم

کتاب نایب

وصفا و ندی که دل خوردن سوز
سوز سوز آقا در کلون سوز

کتاب نایب

بر کوزه داری طوری فایده بی
این مکتب بی نمک گفتند

کتاب نایب

بود کوه باران اولی غنچه سنان
خار زام غنچه سنان

کتاب نایب

ختم او غنچه سنان و غنچه سنان
کمی یکم بیکم

کتاب نایب

قعه غنچه سنان و غنچه سنان
چاغوش غنچه سنان

کتاب نایب

صبر این جور و غنچه سنان
غایت لطف و عدل و غنچه سنان

کتاب نایب

ناواد اوله غنچه سنان
صبر قبل صبر این غنچه سنان

کتاب نایب

بوقه غنچه سنان و غنچه سنان
دین غنچه سنان

کتاب نایب

میان نایبی مویه بیکم
زده اهل غنچه سنان

کتاب نایب

سپیل غنچه سنان و غنچه سنان
ما جواز غنچه سنان

کتاب نایب

بوقه غنچه سنان و غنچه سنان
اسباب جود غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
اونا غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
نوا غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

بر قول ای غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان

کتاب نایب

غنچه سنان و غنچه سنان
غنچه سنان



77



نائب
برین الدق دخی بر بوسه افدام اندر
بزر بوقل ایلمه لیدی ایلی برام اندر

قطعه ای

زین شغل عبس بر بونیا کو
سیم خاک هوا به ختم
ناسوخته کو دودمان نوز
اور دینه دمدم کورن جکبه نوز

قطعه ای

مرد که ز غافلن بان اول
در دم دل پنهان اوزان اول
در شخیه دهن ای اسرار اول
در شمع ضایع بیسوی اول

نائب

ملا ایدی و سیده بزم شبنامه
نور و کبردی آرام بوزی میانه
کوکل درگاه صفدن غریب
او بر درگاه عالی در خواجج اح انجیر

قطعه

زهر و افساسی بارانه صبا
انکار اول قاش خیز اور
از آب و آب و بر روی برم
فنون ناموادی بارانه انکار

[illegible]

سنة ١٢٠٠

مجلسه که اوله رستم ازینکده برین
 طایفه یاران که در کربلا کشته

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[Faint handwritten Persian script]

[illegible]

تفتی

محل اوی

[illegible][illegible][illegible]

بن افندی
 شکله بنزادیم الفت ایکن کوج
 غزال و حسن ایکن کوج
 و کلعه اوزر عطر قشوع ایکن
 نگاه باب حج عفت ایکن
 صراحی و شیر باره ایکن
 بدزای بر ایکن کوج
 بنوی بابت حرمی ایکن
 سهر رفت ایچون منت ایکن
 سخن کین کوج
 بن افندی
 طوبی طبعه بن افندی
 افندی کوج

۷۲

[illegible]

مکمل خط و حواصان فتحی عارفان
باجت عزت انک خط ہا ہون اویش

اولدی کندک او مادر خط عانی
سوزنی و ظار السبک اینی

بای طبعی عامه عصا
بی بی پاره دوش فقه
ای به معانی وای بی
کلاه بر سر یکی
سرخان در راه
ای میخانه مست وای بی
فقی اصدی ای بی
ای دفرای ای بی
فی صد وید وید
مست وای بی
کلاه وای بی
بای طبعی عامه عصا

۷۹
که در این کتاب از ادب و عرفان
منتهی شده است و در این کتاب
منتهی شده است و در این کتاب

عزل ناری

ایستاد خانی نوله در دلی خانان عرض
خونکه از قدر قولن احوالی
صنعت کلدی عارض دلد از خطی عرض
قاضی ملک قطندن کلدی قطندن
از انکشاف الحبوب است ای دیو
ایستاد خانی نوله در دلی خانان عرض
خونکه از قدر قولن احوالی
صنعت کلدی عارض دلد از خطی عرض
قاضی ملک قطندن کلدی قطندن

خانی نوله در دلی خانان عرض
خونکه از قدر قولن احوالی
صنعت کلدی عارض دلد از خطی عرض
قاضی ملک قطندن کلدی قطندن

نایت افندی

بجو غنچه خند و اوله اواکی
مان عیله از اطلال اواکی
هم دلد و هم کلدی قطندن کلدی قطندن
بجو غنچه خند و اوله اواکی
مان عیله از اطلال اواکی
هم دلد و هم کلدی قطندن کلدی قطندن

ایستاد خانی نوله در دلی خانان عرض
خونکه از قدر قولن احوالی
صنعت کلدی عارض دلد از خطی عرض
قاضی ملک قطندن کلدی قطندن
از انکشاف الحبوب است ای دیو
ایستاد خانی نوله در دلی خانان عرض
خونکه از قدر قولن احوالی
صنعت کلدی عارض دلد از خطی عرض
قاضی ملک قطندن کلدی قطندن
خانی نوله در دلی خانان عرض
خونکه از قدر قولن احوالی
صنعت کلدی عارض دلد از خطی عرض
قاضی ملک قطندن کلدی قطندن
نایت افندی
بجو غنچه خند و اوله اواکی
مان عیله از اطلال اواکی
هم دلد و هم کلدی قطندن کلدی قطندن
بجو غنچه خند و اوله اواکی
مان عیله از اطلال اواکی
هم دلد و هم کلدی قطندن کلدی قطندن

نائب افندی
نائب کنور بوج
اولسون عو
فضل نور غده ملو ماندر
سر و صو افی صالار
بیج بوجید
مفل دل نیجی
السه نور حضار
کوی نگاری

...

اولو راجه ای اولو سرجه ای
اولو راجه ای اولو سرجه ای

اولو روبری و کین
اوانه روبری و کین
اوانه روبری و کین
اوانه روبری و کین
اوانه روبری و کین

روان
روان
روان
روان
روان
روان
روان
روان
روان
روان

بوسید
که او غلامی است
از اهل کربلا
و از اهل کربلا
و از اهل کربلا

مجلس فقهیه
در مدرسه عالی
تأسیس شده است

ازند خدی

ایستیم نوله اگر لعل ولا راون خط
ایدا باب صفا جام مصفاون خط
الذنه جهان فانی خط
دوت و نبادون خط

بافاد و صفین الذنه جهان فانی خط
الذنه جهان فانی خط
کسب عیض ناز ابرو که در مکتب خط
اهل عیض ابرو که در مکتب خط

نخل کلک کلک فاقست ابرو که در مکتب خط
کسی از نادن ابرو که در مکتب خط
کسی از نادن ابرو که در مکتب خط

ازند خدی

ایستیم نوله اگر لعل ولا راون خط
ایدا باب صفا جام مصفاون خط
الذنه جهان فانی خط
دوت و نبادون خط

ازند خدی

ایستیم نوله اگر لعل ولا راون خط
ایدا باب صفا جام مصفاون خط
الذنه جهان فانی خط
دوت و نبادون خط

قطعه

طاق اندی جبار طاق خجاری بغدادی و غط
 و فل اندی در دانه خلی بغدادی و غط
 معبد ال او بر کن ظلم ظرافت اندی و غط
 دست لطیف باری بر آب صدی و غط

نایب افندی

ایدوب او سیمه جان منظم طبع طبع
 و دوشمنی او ملایمتی بر منید طبع
 کتاج انجمنی جو بهار طبع
 و بعضی بوسه ایدوب طبع
 مستغنی دل زار طبع
 بوغز و ناله اول شوقه انجم طبع
 طبعه انجمنی و طبع
 شوقه کاهنده بر اول و ام طبع
 که اول شوقه انجم طبع
 فانی طبعه ایل بسکه معن و در طبع
 جناب حق میدان برای طبع
 بود ملک علاقه از در طبع
 شومغ که انجمنی طبع
 مدامت صهای طبع
 بزی و از او غازی بود طبع

فانی

ای دل کشته غمگین در دکان اولی
 شکر بختیستم در این دکان اولی
 بورد از کار جوی خوش فراموشی
 مثال حبس دل اولی جان اولی

ملک

نزد دکان عالمه در دکان اولی
 مثال صوفی موعظ غمگین اولی
 همیشه در می محو بخت جان اولی
 نزن فراموش دل بوی جان اولی

فانی

ای کشته غمگین در دکان اولی
 دیار جوی و باران دکان اولی
 ای کشته غمگین در دکان اولی
 نزن فراموش دل بوی جان اولی

قال النبي صلى الله عليه وسلم اربعة اشياء تزيد العمر تزوج البكر والنوم على اليسار والغسل بالماء البارد واكل النعناع على الاشجار
 ماكره الله في خمسة مواضع الاول في الخبله والثاني في المصنعي والثالث عند ذوات النوان والرابع في المذابة لرس
 والخامس في الحمام **السنه** ور على ثمانية وجهه **سرو** استعجم **سرو** اليوم ودخول الحمام **سرو**
 الهفنه غسل الثياب **سرو** الشربس الجدير **سرو** السنه بناء الدار **سرو** الذر تحصيل العلم **سرو** الاب
 ودخول الخبنة **قال الحكيم** سر بعد الطعام ولو خطوه **وتم** بعد الحمام ولو خطه **وبل** بعد الجماع ولو خطه
قال عبد السلام ثبت دعوات مستجابة دعوة الوالد على الولد ودعوة العالم على المتعلم ودعوة المسافر
 على المقيم **قال النبي صلى الله عليه وسلم** من شر عيب مسلم ستره عليه في الدنيا والاخرة صدق
قال عبد السلام انشدك اربعة السنه ولو كان فسخا **والسنه** ولو كان خذلا **والغربة**
 ولو كان ساعيا **والدين** ولو كان درهما صدق **قال عليه السلام** نوم الراحة في وقت القبول
 نوم الرحمة بعد الموت **نوم** الندامه بعد الفجر **نوم** الحسنة في يوم الجمعة **نوم** الففله في مجلس الذكر **نوم** الشفاوة
 في وقت الصبح **نوم** العقوبه بعد العصر **يقال** للدعاء جناحان **الكل** الحلال صدق **المغال** ذكر **حجوة**
قال افلاطون اذا دخلتم على الكرام فعليكم بتخفيف السلام **وتقبل** الكلام **وتجمل** القيام
قال افلاطون اعظم المصائب موت الوقت بلا فائدة **قال** اعم قلوب الشراخاين الرحمان
 عن ابي الدرداء **قال** عزم اذا اذ انك البراغيت فخذ قدام من ماء فاقرأ عليه سبع مرات
 وما لنا الا نتوكل على الله وقد هدانا سبيلنا ولنصبرن على ما اوتيتونا وعلى الله فليتوكل المؤمنون
 فان كنتم امنتم فلكفوا شركم واذا كنتم عدا **ثم** رشي الماء حول فراشك تبث تلك اللبنة اضافته

نصائح

كلمه صديق غير اوله **الكفيل** مذيون **وكيل** ذخي اوله **دوست** ذخي اوله **كلمه** ذخي اوله **وامانت** كتاب ذخي
 الكفيل مذيون **الوكيل** ذيل **مهم** بن الناصد **حاصل** عذرت اوله **بر** ذخي الامارن
 اكي دشمن ولبه الدنه **اوج** كوندن زخم قوت اوله **عوام** ناسي الى الفت اتمه **وخرمان** اندر زخم اصل اتمه
 بيه دشمنك ايد **حيض** وضعت قلمه **زير** العوام كاهل اوله **زير** الاقارب كاهل القارب
 بركه زياره وارتجى قوت اوله **واحد** ابر على الدوم مصبات اتمه **ارازل** ابر مصبات اتمه **وطافه** زياره اوم ديه
 زير الزياره خطه ذر **زير** اكثر مصبات كلفت خرمه **مايت** ندامت اوله **زير** القضا اوم اسم رطله
 ودر بعض اوله كسمه ابر **مصاحبت** فرموده

استنولد جامع كلان كيمان تمام اوله قد **موت** كمي افندي سويله كمي تار كجزر بوبه نيزه الشا ناريخ واقع اوله
صاحب الحجة كسني كيمان زمان **جامع** بالانغالي الله عجب عالي بنا **٩٦٤**
اول مصر عن نقطة سزله **افوم** مصر عن نقطة ليسي **بر** تار كجزر **واو** مصر عن نقطة سزله **اول** مصر عن نقطة ليسي **بر** تار كجزر
در مصر عن تار كجزر **واي** بيتك نقطة سزله **بر** تار كجزر **واي** بيتك نقطة ليسي **بر** تار كجزر **عجب** بدر
جامع شير نيزه جوج اوشان **صوبونه** جلد جوج اوشان **مصر** دن كلان ايكي عدد ورو سمانى **دبر** دن
٩٠١٦٠٠٠ **٥٠١٦١٦** **٧٩٠٠٠**
جامع شريفك جلد اشيا سبي وزن او نمنش بش وقه سبي بر افجه اولمش **عوكور** ودر كدرينه قوتيه
سكسان در هي بر افجه اولمش

ايا صوفه جامع نه مقدار مال صرف اوله نفعي تواريجه بيان او نمنش درم او جوبوزيك سبيله النون
 خرج او نمنش بهر سبيله مسكون فلور حى سبى اوزره او جوبوزيك النون امينى تواريخ ال عمارت اوله

مفتي
 اوزر **اوج** كوندن زخم قوت اوله **عوام** ناسي الى الفت اتمه **ارازل** ابر مصبات اتمه **وطافه** زياره اوم ديه
 زير الزياره خطه ذر **زير** اكثر مصبات كلفت خرمه **مايت** ندامت اوله **زير** القضا اوم اسم رطله
 ودر بعض اوله كسمه ابر **مصاحبت** فرموده

زندگی

سندی افندی
 نایب کدی لغات بزم مید و زاری و
 عیشی و عشرت بر طرف ساقی تکلف ایالات
 ای کل کل کوردم که یون بر صفای قدیم
 نایب و کان یار ای کس که عاود کون
 باج در نازم اولان کسای بجای کس
 جام جم او کس که ساقی بزم
 بکدم قدم در بغا یون نقد کس
 ای بدم و نیا کون نقد کس
 شست و شوی بکن عسای نیا کس
 جز الطاف خدایه حد در ای دل لایف
 عاکت مرز و چی کنند اسد لطف ایدر
 اب احسانت او و کجا کجا باب
 غیر اولد انشد یا کون نظم کند
 یا کون ای کس که یون نقد کس
 سندی افندی
 خا عده ویر با مست کس
 خا عده ویر با مست کس

باب اول

1590. H. 16.

ف

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or ledger, covering the left page. The text is arranged in several columns and includes various entries, some of which are highlighted in red ink. The script is cursive and appears to be from a historical document.

Blank page with a small dark spot near the top right corner.

[illegible][illegible]

ای هر چه استاده استی ای که در
افتر گذشت و بر سر اگر و با بی
کله از خشتی که صراط فزده به دل
امانه سوختن او در اغذای بی
موقوفه ای که خدایه خدایه
خام جوج که نه نشسته به با بی
کامل نو خطی است و از ای بی
پیش صوره که طبع است اندن
اما بایه بخشنده غفلت مجانی
صورت زبانه دن طوفند اوله
منفی خیال و اردر که غفینه جای بی
نشد **افتر** که میوزنده قالی بی
نجه کبر و روتنه که میوزنده
نجه استون جلوه قدیم سر و جان بی
استه شول ای که میوزنده قالی بی
نجه استون جلوه قدیم سر و جان بی
شبه بود قالی که میوزنده قالی بی

[illegible]

اوله فاشقه برکت طبعی
زبان کی اولدی عذر
ناکارانه دودی بوی
ساز و صومعه بورق
باغچ الویده بر یکا فاشقی
عاشق منی ایدی قی بنی
زبانیکه اوله لانی بوم
ایرمنی برنج افق
نیزه مدی اولدیم طوق
نماند مدی اولدیم طوق
خوف کومدن دلینده برنج
الکت و کلد برنج کم
کند که اولدیم سوزانی
النجیم ولدی انانی صافی
بوی کمد کسه صوب سانه
بروز سوز اوچ کتق
طالع کندم قلم را کلمه
اوله خرازا در صوم طاشق
کیم عذر بیدم اوصاف کیم
باری صورتی واقعی اوصاف

[illegible]

مهر تابان اولی که در این عالم
شو و خیزد از افق و در این عالم
که بجز این نیست که در این عالم
که بجز این نیست که در این عالم

کوار و در اقصای عالم
یوسف و یوسف و یوسف و یوسف

بیت اخروی

بیت اخروی
بیت اخروی
بیت اخروی
بیت اخروی

بیت اخروی
بیت اخروی
بیت اخروی
بیت اخروی

عطای

در این سفر از آنکه بولک می طو و زنی
گشتند بر او روزی که او در جوی هور

قطعه

سوی که ازین راه می رفت
سنگد و حال که هم اید باقی

نایب

و منبک و بوی که به صو و حال
بیوم خانی که در این راه

نایب

عجیب و در هر حال
برابر اولدی نایب که می

نایب

برشت او را و بر سر
باران صاف و ازین راه

نایب

باب درون صو و فلوب و
در دل راه و بوی که

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خلائفنا
في الأرض
وآلهة ربنا في السموات
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خلائفنا
في الأرض
وآلهة ربنا في السموات
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خلائفنا
في الأرض
وآلهة ربنا في السموات

10

107

102

101

باب

کمال نندن اول بعل بشارت
فشان صلو سینه دوش چوین اغوز اول اول

باب

عاشق او جو زو و شردی انتین جانینک
خوجی ایچیدن اولمغه خنبیا نینک

دوی

بیلده بر کر کلو کل کسبی باغ دهر
قدری بیلمک سی ایلم مقنا نینک
میان باره هام ایچو صالیه کین
بو قوله قابر اول سوغ نصف اول

نقطه

بیت روی قبه خند سبکی جلاله
عزیز صغایه کور مقبولین
اول جبریه هم کوملک اولم نایک
شیطان یوی وار یوزم مغولین

باب

خاضعیت کور بنی سوغ کل وزیر بیک
طرحی قانچ خاتنه و صانده کلک

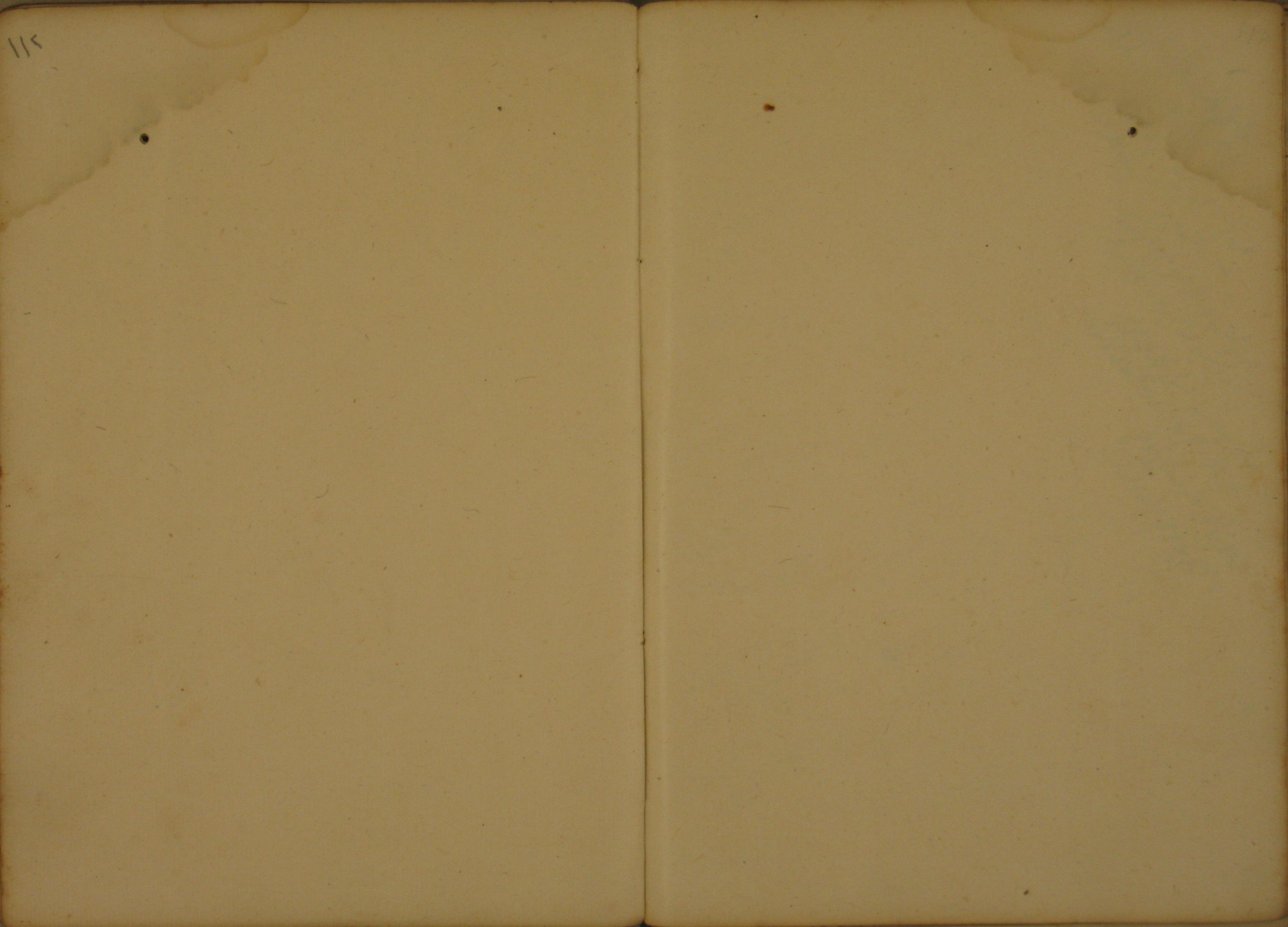
دو

او مولودی او کین شوخون سقا کور بیک
چاندنمدی اولدی نال زو چو بیک

باب

کرده خاند لطیف الیدی نقشب قاف
سکایرمدی نو صوره برادون

از غنچه گاه زنده جان او که کنون
زنده منی نمی نهد و دان او که کنون
غمزه را بدین آینه آینه آینه
با غنچه آینه آینه آینه
خون غنچه آینه آینه آینه
صانع غنچه آینه آینه آینه
اول و اول آینه آینه آینه







بیاچ من فرزند کون چو حسنک بود کمال
اگر کمالی بودم ای قاضی مال

قطعه
استه نیک صهای رحالی
ایله آوردن صفتی استوار
و بعد می بونی خدای صبور
فصلتینک ان صبرت مال

زود
ایمال ایلمام روی نکار حلال
طریق برکت اوور برکت بیچار

قطعه
اندازه صبور را مدحی چندی طیار
بب تغلی سبور دی ویرن جانی طیار

کوستره من فالد بر فو انظار
ای لاف زن صفت فو انظار

تنبیه
کسب هو اکون صفای عشاق حال
کویا مان بختی دیر در تور و حال

غزل عیدی

افرادم جزو رخ باری غنایا ایتم
صاحب بوی خوش و طبع خوش
دل تشنه می بزم بزم و طبع خوش
کافور بی اول شاد و غمناک ایتم

غزل نهم

جلسه که در مجلس صاحبم
صوت و بخت بخت و بخت
که بیدار و بیدار و بیدار
بیدار و بیدار و بیدار

مانند که در در غم غم
نکن افق افق و غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم

بوی خندان بخت اول و غم غم
دل و بر غم غم و غم غم
غبار غبار و غم غم
غبار غبار و غم غم

نفسی بدید و غم غم
نکن اول و غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم

اول و غم غم و غم غم
نفسم بند و دل غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم

نفسم بند و دل غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم
غبار غبار و غم غم

نفسی بدید و غم غم

نفسی بدید و غم غم
نکن اول و غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم

نفسم بند و دل غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم
غبار غبار و غم غم

نفسی بدید و غم غم
نکن اول و غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم

نفسی بدید و غم غم
نکن اول و غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم

نفسی بدید و غم غم
نکن اول و غم غم
غبار غبار و غم غم
نفسم بند و دل غم غم



111

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript page. The text is written in a cursive style and is mostly illegible due to fading and bleed-through from the reverse side. A small red mark or signature is visible near the center of the page.

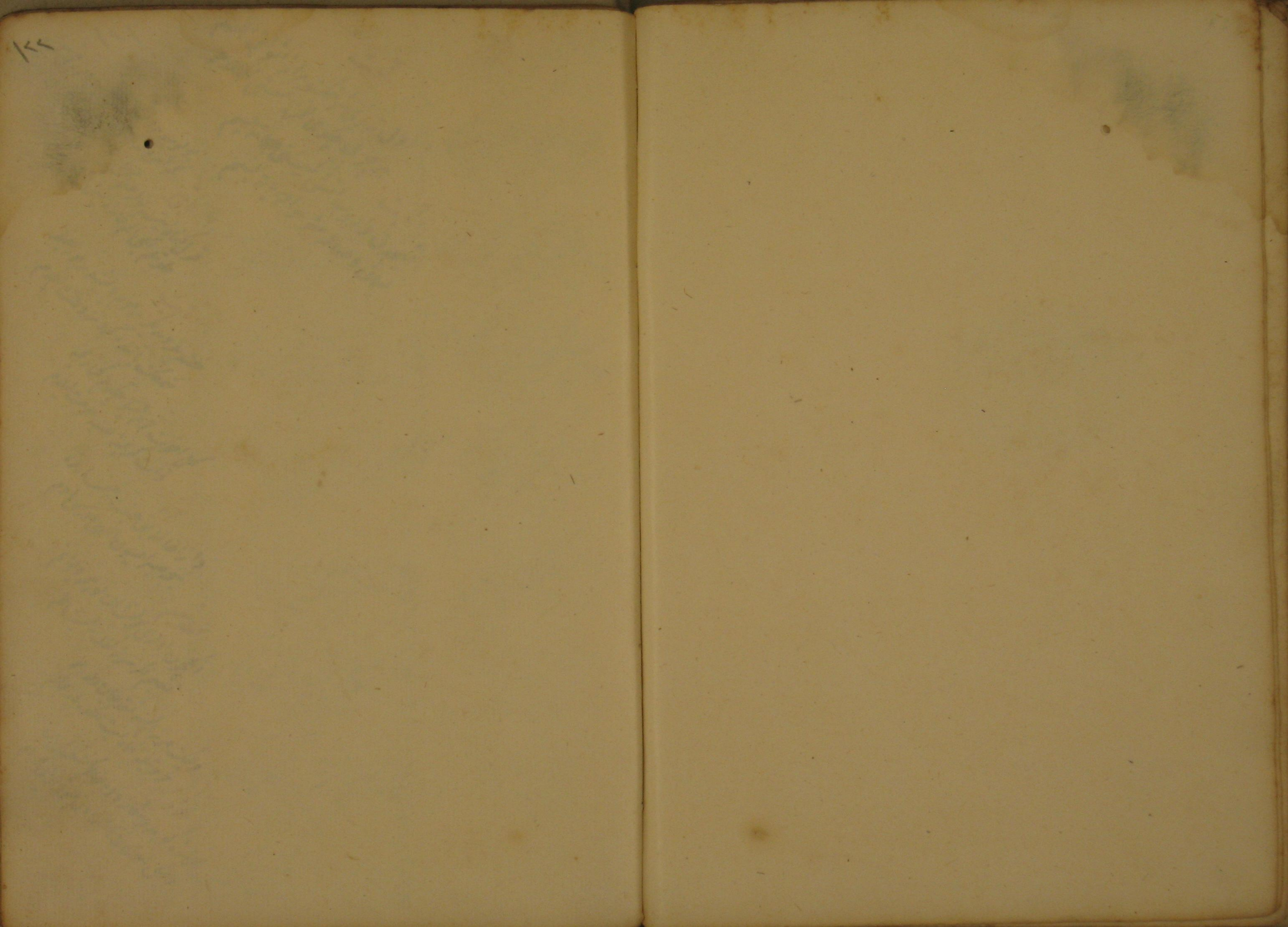




114

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من آل أبي طالب
الذين هم خير الناس
والذين هم خير الناس
عليه السلام





در...

باب

اول نری شوخت بر آتش نعلدم
بر چوبی جلدی غمناک منی نکلدم
نجدن واروب انش کیستی بایسم
لیمان وصاله شو واج با بایسم

بابی

باب

۱۲۲
فوق اندم
بویوب در خورانی کند و در نعلدم
که آتش کون شوم
قول کنایه انبیه نزل عفو
کلونیم ای الم قاندر ایمنی قنی
خندید و دید بر موم باشد بر بویوب
نعلن با نند بر دونه وقت اندم
کل اخوت و زم جو حکم کفار به
دات کریمه غلبه وقت اندم
و انچه خانه بقی حبت خیار به
بویوب انسیون اندی کوی اوم
نعلن اولدی بویوب ان بویوب
نعلن فکر سر زلفه بر نعلن
نعلن نعلن اولدی بویوب
وین مرز ام نعلن است اندم
ویند نکلده نعلن نعلن
چاند کوبدم سکا زدن خاطر نعلن
وین اختلاط نعلن نعلن

نصفه

(Faint handwritten text, likely bleed-through from the reverse side)

[illegible]

نہی

باقی افشا
 پند کس بود ای فانیست او خدای
 فاند و داند و خبری بر زانست او خدای
 بیکان با خانه اش کبر اولدی او خدای
 ای فانی کمان ناکت و فانیست او خدای
 دلخیز او رفقه و افکار و مادم
 فانی فانی بزم جم جم
 فانی فانی و فانیست او خدای
 یوز سوکت و مار و کبک و فانیست او خدای
 فانی فانی کیم فانیست او خدای
 مرغ دل باقی کور کیم فانیست او خدای
 افغان ایدر اول سرو و فانیست او خدای
 باقی افشا
 سو غمده ای کله دل آشتی سینه دن
 از شبنم شکر غمده شعله جود دن
 سو یک سر زنی زاله دن
 اول کلک دل بیل
 سر شبنم خدین بار و خدای
 باغ گل قدس و خاکست و غفلت و غفلت
 سر و طردن کل و غفلت و غفلت

نقد

مرغ دل افغان اندر
 باغی افشا
 سو غمده آهنگه دل آتش
 آتش بین شکر غمده
 اول کلک دل بیل
 سر زده بین حسین
 باغ گل قدح و خاکست
 سر و طردن گل و نعلدن

[illegible]

موتی غفران

[illegible]

کندی انسانی و ...
هر دو بیتی بود و در مکتب معارف
ایده لطیفه که به نفعی حضرت من
خاطر صافی قبول بخدی و روان
نیاید که هر که در صلب دعا بخندد و
قلب صافی که آن اعلا و آن ادوار
لیکن خدی بود و امید صلب بی که در آن
انجیمه رفع خدای بی که در آن
بهر حفظ لیکن دعوی مهوود و
بهر از این طوب ایندیز که در آن
طاب صورت او که در صلب بی که در آن
انفکای بی که در صلب بی که در آن

البته

کونی طوط خاد زینت ده اندام بان
نظم استایلی است که در مکتب معارف
و سبک از از عجب است
چون طوطی عالم از نورانی
انیدی که در خط نو خدی
غنی که در خط نو خدی
وین باج و دی او در خط نو خدی
که در خط نو خدی
باین برادر از باد و آن
افغانی برادر از باد و آن
که در خط نو خدی
که در خط نو خدی
که در خط نو خدی
که در خط نو خدی

دو تر طوطی از بی جوی
کوسه مخند ابو طوطی ایو بعبان
از آنست که در خط نو خدی
از آنست که در خط نو خدی
از آنست که در خط نو خدی
از آنست که در خط نو خدی
از آنست که در خط نو خدی
از آنست که در خط نو خدی
از آنست که در خط نو خدی
از آنست که در خط نو خدی

خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف

خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف

خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف
خدا طوطی از بی جوی
ایو دیند صلب بی که در مکتب معارف

بابی

حسنه مهر فلک مبین
نوع نیر جوق اشک خوشه مبین

آبی

کی بو خصال چهلک ملا اشک
نوع نیر جوق اشک خوشه مبین

عجب

اولی کنش خدایت کردی
بجه غریب عین بهج کردی

نقطه

علی ایان او تا جوقه انصاف
ار نور کیمی بر کونیه جوق

باب

نقد جان و دی غمت الدی المذن جانان
بر فخر مبدی بوبادی کور می بر مغانی

فصلی

بوز یکی که کله کاهای
سودیم جرت عشقک ایله بر دین کوکون

نیت

قوسه جی صوفی تابیدن ابدی
کم کشنوی سوز بر بندگی سوز

ود

که کردیند که غدارند ضعیفی
ای تو خطا بار آمدیم بر جرم بزرگی

فقد

بوز یکی که کله کاهای
سودیم جرت عشقک ایله بر دین کوکون

ود

چو کنی هم کوئی اخلاص مدد
دیرم دل و کور را دینی او کنی بوفکر

حاشی

صانع دغان ایچک اکون لوله طوثر
جمع اولوبی بر راسب روز بیدار

از غدا

تا فدا صبی صنی طری اگر کوب غدا می شود
سپید خست اگر کوب غدا می شود
سوی زلفک الم غم که از غدا می شود
سوی زلفک الم غم که از غدا می شود
خاک بلبک کی بر آب صبا عجب بزمین بود
بوی بر آب صبا عجب بزمین بود
دل عشاق کی غم و غم که از غدا می شود
او کس خیم بزمین که از غدا می شود
کمر بزمین که از غدا می شود
دیدن بزمین که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود

غزل شعی

دل فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود
فرز فکده ای که از غدا می شود



صیدی

خودکشی و غلبه بر خود
بابی که در وی دیدی و قوری تو
او
میانین خبر و دم دیدی اول کوری
او نه کسی که به غلبه بر او بدید

[illegible][illegible][illegible]



دختر از آنکه در آن روز از آنکه در آن روز
کشی که در آن روز از آنکه در آن روز
اول و اولان و با بر بوی تقدیر عام
می جوید آنچه در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز
کلی که در آن روز از آنکه در آن روز
ببیند که در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز
اول و اولان و با بر بوی تقدیر عام
می جوید آنچه در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز
کلی که در آن روز از آنکه در آن روز
ببیند که در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز

خطبه و یکدن آنکه در آن روز
بری در آن روز از آنکه در آن روز
روم ای صدره بصدقه غنی از آنکه در آن روز
اولدی زندان جهان نهی از آنکه در آن روز
مینی و صیدی و قرز اولدی از آنکه در آن روز
برق و خورشید از آنکه در آن روز
و در عاید قضا و این دوی از آنکه در آن روز
فکاهی و دوی و کون خالی از آنکه در آن روز
بیکان قضا و کون طوری از آنکه در آن روز
اول خشم کون که در آن روز از آنکه در آن روز
کودن و بخار که بر قبول از آنکه در آن روز
خود بفرقه و در آن روز از آنکه در آن روز
که اگر و مثال از آنکه در آن روز
و نینی از آنکه در آن روز از آنکه در آن روز
کون و نینی از آنکه در آن روز از آنکه در آن روز
کون و نینی از آنکه در آن روز از آنکه در آن روز
کون و نینی از آنکه در آن روز از آنکه در آن روز

نعت و در آن روز از آنکه در آن روز
عزت او در آن روز از آنکه در آن روز
بر و یکدن در آن روز از آنکه در آن روز
بر آن صفای خاطر از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز
ببیند که در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز
کلی که در آن روز از آنکه در آن روز
ببیند که در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز
اول و اولان و با بر بوی تقدیر عام
می جوید آنچه در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز
کلی که در آن روز از آنکه در آن روز
ببیند که در آن روز از آنکه در آن روز
چون هر که در آن روز از آنکه در آن روز

[illegible][illegible][illegible]

کتاب اقداس
 مثال کوز می روز و صبح می
 او نشسته بر او که چه جام می
 خطب می
 کتاب سنده ای ای امام زمام
 موی شکسته او به برام
 موی شکسته او به برام
 کتاب طبع مدراج و زخم کبی
 کتاب طبع مدراج و زخم کبی
 علاج و زخمی حکماء التمام
 علاج و زخمی حکماء التمام
 نزاعی واریت مجبور بی حرام
 نزاعی واریت مجبور بی حرام
 بی حرام المهور بی حرام
 بی حرام المهور بی حرام
 زمانه غریبی خفته
 زمانه غریبی خفته
 و نجبه و برین خفته
 و نجبه و برین خفته
 باقی اقداس
 اهل کرم سودم به بر دل و غنای بی
 اهل کرم سودم به بر دل و غنای بی
 محمد بن یکت واریت مجبور بی حرام
 محمد بن یکت واریت مجبور بی حرام
 نجبه بن المهور کرم و طوی
 نجبه بن المهور کرم و طوی
 کرم و طوی
 کرم و طوی
 طاقت کوز و کسون و طوی
 طاقت کوز و کسون و طوی
 طاقت کوز و کسون و طوی
 طاقت کوز و کسون و طوی

غزل
 ای که نه مهرت اوله از روی
 برات ملاحظه درهای بوی
 ایندی به نظار می افشک زانی
 بوقدر به کورم کورین بند بوی
 عاشقن بر سنن عجبی شده
 نازد زب بخیله آونی و بوی
 باغ امید و بردی بر نوئل کام
 دو قدم او توره زاره و بوی
 شوق سنای موج ز آبیه است
 ساقی بزم در بغل آینه بوی
 غزل
 وای صبی چنین ایف بر بای او
 خوش موج صبت بهم کزانی او
 غم زلف نواضطر حاجه عذر
 که او طاعت و کیم دل زاره
 کسب صهبای عالم ای او
 عشقن صفای عالم ای او
 خاق خردی یار و لعلت جلی و کم
 عکله ایلم بلب کاسه زلفی او

[illegible]

باب

فیه سورم قدم نافه بوز سرور
نیو از سر ایدر دیر دوزید نور و کوی

باب

و در دم کورن بوی کد جلی
ببینج برین آینه ای صفای

باب

عشتقک دل به دار خویش
فقط کس کلمه دولی حصار خویش

باب

مکین غمکله کلمه کلمه
شتر غمکله کلمه کلمه

باب

عرق اولوب انک راب طرف اربعی
ز بهین دوندی انک راب طرف اربعی

باب

بولدیز او به شیخی با صوب او غلانی
معوی کاوانشی خدی ب نهانی

باب

دو ندرم عطر سور و زین عیبر افغانی
مسکن الماسه سب رفیق جانی

باب

عزب ایدوب زورق اسماء اول قانی
بادود اسکی کینه کلمه نهانی

باب

انجی ایدوب و فور ایدوب
منعمله و زمان باغون کوی

باب

حق مفر ایدوب خان لهر علی
اموی سب با صید مسکن کوی

باب

موی خطله ایدوب نشتر عجمی
شرع غرابه مطابق کوی

باب

النفایه صفال بی حلقه کوی
مسکن کلمه کلمه کوی

باب

حسفی عیدیه رفاهه خطه کوی
جودیه خطه کوی

باب

المیوب کلمه کلمه کوی
عاشق کلمه کلمه کوی

باب

موی عیدیه و نوب و نوب کوی
عاشق کلمه کلمه کوی

باب

عزب کلمه کلمه کوی
عاشق کلمه کلمه کوی

ثانی
 دین کی برکت کرنا الہ علیہ السلام
 نافہ و نسل و اولاد و اولاد و اولاد
 انشاء کی بونہی اور اولاد کی بونہی
 مایہ و نسل و اولاد کی بونہی
 اندویش کی بونہی
 خود

رانگی اندر نیست به قفای
 بچون ای
 و
 صفای نه عرقی کو سر عشاق صفای
 صد دور بی دست ایوب نواری
 کبریا بوقلا دم یک قصه در جو
 کوهنده

مضامین الی بی بی حاج منجانب از
بو طوطی بر بی بی ام صنم حاج
مظفری
کریمه
دوق کل
بولرم ماغند و یا حاجی اوکل کندی

[illegible]

بقدری باندی
دلی بند باندی
باقدری کو کلد نار بولہ ہی
اون اوج اون در پائندہ
سم اون نہ ضیا مقادش
دست اون بندش

اول حج اول در باب
 اول از نشانی نمان خدمت
 طفل نویسنده
 کمال نور و کمال
 کمال نور و کمال
 کمال نور و کمال

باقی کو طبع و بار و آبی صلی
اون اوج اون درت پند بر
هندندی اولد فدا
اولدی خود و س جان را

۱۴۸
سنه و ده پانزدهم
کوشن ابرار است نند بی بار و جوان کس
کوشن پیرین الیه زیاده ای نهان
فغان الیه و نیاید همان افغانی صفا
کور دوزخ صفا
فغان الیه و نیاید باینه یور
دوباره که طبع خاکمه با اینه و بر
بنگ وارثه طور مه همان
افغانی

روح او در دنیا می کشند بر جبین
وضعت در این صورت و در
فرد عوی غشی احوال طافند
صیبات بدیه حال آید و بر آبی
فرغم آید بوزجی
سنگای

او
 صبره قادر و کل دل کشنده
 در جان چیل مشرب
 مستغنی بآن است
 غنچه دهان سکن
 بر لاله حد و سر و قد و خوی
 و بر حکیم خوی
 کشته نو بیک نقره ای برون
 بیک سکن

کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

ع اول زن باین اهف در دل
 اوله مخاچی باین و کدا
 کاه اولورم اوله کاهای و جایی
 رجب اسب اوله نول
 دیر مسعود منظم اولور
 زیدی وارد در اصل اولور
 بری بریکه و بصلح هم
 با مال اولفقد خطه و مدیم
 سینه عشت کدر سینه
 در دمنک ابد ابدی
 وقت لدرانی نقش
 کاهی او نور سینه نقش
 مسکنی که روم اولور کاهی
 نخسته اولفقد نوری
 بیزن زن اوله با و سیری
 کاهی باین اولور اولور
 اکلن که قزو قالی
 دمن ابد حنکاره و قنق کار

ن بیل در اولی که اوله
 نوم از زانا شو اوله
 خلیجی موید اولی ظاهر
 خلق عالم بو صغده
 قنیه صبه اولور اوله
 خونی قدم و بیه مخلصه
 سیمبر له صغی نه
 اکلن که انکار
 سوروز ناز و جوب
 عمل ابدی باین محبوب
 انبه با و خفله و آن
 نور بیل ابر خستونی
 فنی حوق رختی جکر خوان
 بیز و ایلزانی خاوان
 حق بوکله و صغده با بینه
 بصدیقی بر صغده او بینه
 الفتن ترک ابدی که اکلن
 کاسه اولور مشای صوبلک

ن بیل در اولی که اوله
 نوم از زانا شو اوله
 خلیجی موید اولی ظاهر
 خلق عالم بو صغده
 قنیه صبه اولور اوله
 خونی قدم و بیه مخلصه
 سیمبر له صغی نه
 اکلن که انکار
 سوروز ناز و جوب
 عمل ابدی باین محبوب
 انبه با و خفله و آن
 نور بیل ابر خستونی
 فنی حوق رختی جکر خوان
 بیز و ایلزانی خاوان
 حق بوکله و صغده با بینه
 بصدیقی بر صغده او بینه
 الفتن ترک ابدی که اکلن
 کاسه اولور مشای صوبلک
 ندر قدم باکله جان اتموب فدا
 فکرده حاینا و دی کبی نکته وان
 قلب مایه اولور طرا
 اولور صغده و عاری و طرا

ن ندر اول کله صغیر و عجب
 که اولور دایم یوغار خضار و آب
 ندری الا صغیر اول کله
 که حورس و حورس ایدر
 فنی و سینه در سینه
 بیکه دایما کله ایلک
 اکلن که قواری باری
 اولور در قدس عاقی راری
 اوت با اولور اولور
 صولاق او و شنه اولور
 صغی که او که
 بیدرم و صغی که او که
 بوزنی و آری که کوکوب و کیم

بوزنی و آری که کوکوب و کیم